



آینده پژوهی امنیت ایران در برابر بازیگران تروریست بین الملل تا سال ۲۰۳۰

حمیدرضا سهرابی^۱

۳۶

چکیده

در چشم‌انداز امنیتی ایران تا سال ۲۰۳۰، تهدید تروریسم دولتی، به ویژه از سوی بازیگران قدرتمندی مانند آمریکا و اسرائیل، به یکی از چالش‌های اصلی تبدیل خواهد شد. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و با هدف تحلیل روندهای تروریسم و پیش‌بینی سناریوهای عملیاتی آن با رویکرد آینده‌پژوهی به تحلیل امنیت ملی ایران در برابر تروریسم بین‌الملل تا سال ۲۰۳۰ می‌پردازد. براساس یافته‌های این پژوهش ایران در دهه‌های آینده با شکل‌های متنوعی از تروریسم دولتی شامل تروریسم خانگی، حملات سایبری، نفوذ اطلاعاتی، عملیات‌های منطقه‌ای و ترور فیزیکی شهروندان از طرف بازیگران دولتی و غیر دولتی بویژه ایالات متحده آمریکا و اسرائیل با همراهی و استفاده از گروه‌های سلفی و تجزیه طلب در راستای اهداف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود مواجه خواهد شد. در نتیجه مقابله مؤثر با آن مستلزم تقویت ظرفیت‌های دفاعی، بازنگری در سیاست‌های بازدارنده و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و ارائه راهبردهای پیشگیرانه برای مدیریت پایدار تهدیدات تروریستی از مهمترین راهکارها می باشد.

کلیدواژه‌ها: آینده پژوهی، تروریسم، بازیگران دولتی، امنیت.

دوره ۱۰، شماره ۱، پیاپی ۳۶

بهار ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۵/۰۱/۲۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۳/۳۱

صص: ۳۴۵-۳۳۵

شابا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

تحولات شتابان نظام بین الملل در دهه های اخیر، ماهیت تهدیدات امنیتی را به طور بنیادین دگرگون ساخته است. در این میان، تروریسم بین الملل به عنوان یکی از پیچیده ترین و پویاترین تهدیدات امنیتی، با بهره گیری از فناوری های نوین، شبکه های فراملی، ایدئولوژی های افراطی و پیوند با منازعات منطقه ای، ابعاد تازه ای به خود گرفته است. جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی، نقش منطقه ای، همجواری با کانون های بحران و تقابل های سیاسی-ایدئولوژیک با برخی بازیگران بین المللی، همواره در معرض اشکال متنوعی از تهدیدات تروریستی قرار داشته است. در چنین شرایطی، اتکای صرف به رویکردهای واکنشی و گذشته نگر در حوزه امنیت، پاسخگوی پیچیدگی ها و عدم قطعیت های آینده نخواهد بود. از این رو، بهره گیری از رویکرد آینده پژوهی به منظور شناسایی روندها، پیشران ها، عدم قطعیت های کلیدی و ترسیم سناریوهای محتمل تهدیدات تروریستی، می تواند نقش مهمی در ارتقای تاب آوری و کارآمدی نظام امنیت ملی ایران تا افق ۲۰۳۰ ایفا کند. با وجود تجارب گسترده ایران در مقابله با گروه های تروریستی در سطوح داخلی، منطقه ای و فرامنطقه ای، تحولات اخیر نشان می دهد که تروریسم بین الملل در حال گذار از الگوهای سنتی به اشکال نوین تری همچون تروریسم شبکه ای، سایبری، الهام محور و نیابتی است. این دگرگونی ها، در کنار عواملی نظیر بی ثباتی منطقه غرب آسیا، رقابت قدرت های بزرگ، سوءاستفاده از شکاف های هویتی و پیشرفت فناوری های ارتباطی، محیط امنیتی ایران را با سطح بالایی از ابهام و عدم قطعیت مواجه ساخته است. مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که امنیت ایران در برابر بازیگران تروریسم بین الملل تا سال ۲۰۳۰ تحت تأثیر چه روندها و پیشران هایی قرار خواهد گرفت و سناریوهای محتمل پیش رو کدام اند؟ فقدان مطالعات آینده نگر منسجم در این حوزه، می تواند منجر به غافلگیری راهبردی و کاهش توان پیشگیری و مقابله مؤثر با تهدیدات شود. بنابراین، ضرورت دارد با بهره گیری از چارچوب آینده پژوهی، ضمن شناسایی بازیگران مؤثر تروریسم بین الملل و الگوهای رفتاری آنان، پیامدهای احتمالی این تحولات بر امنیت ملی ایران تحلیل شده و زمینه برای سیاست گذاری پیش دستانه و هوشمندانه فراهم گردد.

مفاهیم

ریشه لغوی تروریسم به زبان یونانی به کلمه *tras* به معنی ترس و لرز و ترساندن برمیگردد. واژه تروریسم از فعل ترور مشتق شده است که در لغت به معنای ایجاد رعب و هراس در بین مردم و یا مرعوب ساختن دیگران می باشد. ترور و تروریسم روشی است که هم حکومتها و هم گروههای سیاسی مخالف حکومت برای هراس افکنی و ترساندن طرف مقابل، از طریق دست زدن به اعمال خشونت آمیز به کار میگیرند (مطلبی، ۱۳۹۵: ۱۲۱). همچنین در تعریفی دیگر همچنین تروریسم به استراتژی مداوم و سیستماتیک از خشونت که به وسیله دولت یا گروهی سیاسی علیه دولت یا گروه سیاسی دیگر در طول سلسله اعمالی خشونت بار صورت می پذیرد، تعریف شده است. هدف این اقدامات ایجاد حالت ترس و وحشت عمومی برای رسیدن به اهداف سیاسی است (محسنی، ۱۳۹۰: ۲۰۲).

با تحلیل محتوی از نگاه نویسندگان غربی آنها در ارتباط با «تروریسم» تحلیلهایی از جمله الگوی نظام یافته از رفتار خشونت آمیز که جمعیتی را تهدید نماید؛ عملی نامتعارف به منظور تأثیرگذاری با چاشنی تهدید و خشونت؛ یا ارتکاب اعمال غیر قانونی برای وصول به اهداف سیاسی ارائه داده اند. هر چند که مفهوم تروریسم بدو در اروپا شکل گرفت. مسبقاً با اصطلاحاتی خاص در متون با نگرش ایرانی - اسلامی وجود حقیقی داشته است. امید زنجانی ترور را هر نوع عمل جهت فساد و متضمن به خطر افتادن امنیت و ایجاد زمینه تعرض و محدودیت در مورد حقوق مشروع بشری به نحوی که موجب سلب آرامش گردد (آدابی و دیگران، ۱۴۰۲: ۲۳۲). تروریست در زبان فارسی به معنای قتل سیاسی بوسیله اسلحه است. در زبان عربی برای تروریسم کلمه «الرهاب» انتخاب شده است که به معنای خوف خشونت و سخت گیری است. کلمه رهب و مشتقات آن چندین بار در آیات قرآن کریم آیه ۴۰ سوره بقره و آیه ۶۰ سوره انفال و آیه ۱۳ سوره حشر در معنای خوف و ترس به کار رفته است (عابدی درچه و دیگران، ۱۴۰۳: ۱۴). در مورد تروریسم بین المللی یک موضوع جدید و میان رشته‌ای است، که می توان از درجه علوم سیاسی به آن نگریست، می توان از زاویه حقوق بین الملل مورد بحث و بررسی قرارداد و می توان با قواعد حقوق جزا و جرم شناسی به سراغ آن رفت. مفهوم «تروریسم» و «تروریسم بین الملل» در ادبیات سیاست خارجی کشورهای غربی تعریفی ثابت ندارد، بلکه ابزاری منعطف و سیاسی می داند که متناسب با منافع ملی کشورهای

غربی تغییر می‌کند. اما در مورد تروریسم بین الملل باید گفت نوعی از تروریست است که ناظر به اقدامات خشن و مداخله جویانه دولتهای نیرومند در امور دولتهای ناتوان است که پنهانی با پشتیبانی از گروههای تروریستی مخالف آن دولت یا آشکارا با مداخله نظامی آن دولت صورت می‌گیرد (شهبازی، ۱۴۰۱: ۳۸۹۶). با این حال تاکنون هیچ تعریف جامع و مانع درباره تروریسم ارائه نشده است که صاحب نظران این حوزه روی آن توافق داشته باشند. در نتیجه در تعریف تروریسم وحدت نظری وجود ندارد. از آنجایی که دولت‌ها و کشورها احتمالاً مخالفان خود را به ترور و تروریسم متهم می‌کنند تعریف جامعی وجود ندارد. باید گفت حداقل تروریسم را باید با خشونت سیاسی مرتبط دانست که شهروندان بیگناه مورد را هدف قرار می‌دهد، صرف نظر از اینکه عامل آن یک جنبش غیردولتی یا یک دولت مستقل باشد (FALK, 2007: 2). اما صاحب‌نظران در مورد دو ویژگی و ویژگی آن اتفاق نظر دارند و آن هم این است که اولاً «تروریسم همیشه با خشونت و یا تهدید به خشونت» همراه است. دوماً تروریسم «ابزار تهدید همه علیه همه است». در طول تاریخ نه تنها ضعیفان برای ترساندن اقویا از آن استفاده کرده اند بلکه اقویا نیز برای ترساندن و به انفعال کشاندن ضعیفا از آن بهره جسته اند.

در این پژوهش تروریسم بین‌الملل به مجموعه‌ای از اقدامات خشونت‌آمیز سازمان‌یافته دولت‌ها اطلاق می‌شود که فراتر از مرزهای یک کشور انجام می‌گیرد و با هدف ایجاد رعب و وحشت، بی‌ثبات‌سازی سیاسی، تضعیف دولتهای مخالف و تأثیرگذاری بر معادلات منطقه‌ای و جهانی توسط بازیگران دولتی بصورت مستقیم و یا بصورت غیر مستقیم با همکاری بازیگران غیر دولتی صورت می‌پذیرد. این پدیده به دلیل ماهیت فراملی خود، یکی از مهم‌ترین تهدیدهای امنیتی در نظام بین‌الملل معاصر به شمار می‌رود و آثار آن محدود به یک کشور یا یک جامعه خاص نیست. در این میان، جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی، نقش منطقه‌ای و شرایط خاص سیاسی و امنیتی خود، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با پیامدهای تروریسم بین‌الملل مواجه بوده است.

در مورد مفهوم «امنیت» باید گفت توافقی خاص در مورد امنیت وجود ندارد زیرا امنیت تحت تاثیر فاکتورهای نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ... و در درجات متفاوت قرار دارد. جایی که نقش فاکتورهای خاصی می‌تواند مورد تعریف قرار گیرد. این روش را می‌توان امنیت در «متن» نامید (میرعرب، ۱۳۷۹: ۱۴۰). به کار بستن امنیت در متن‌های متفاوت احتمالاً به تفاوت کامل موضوعات

پژوهش منجر می‌گردد. در این متن آنچه مد نظر این پژوهش می‌باشد بحث امنیت ملی می‌باشد. در فرهنگ علوم سیاسی پارسی زبانان امنیت در لغت به معنای در امان ماندن، ایمنی، آرامش و آسودگی می‌باشد (عمید، ۱۳۸۹: ۱۷۱) و امنیت ملی عبارتست از اساس آزادی کشور در تعقیب هدف‌های اساسی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع سیاسی اساسی و حیاتی است (آقا بخشی، ۱۳۶۳: ۱۷). و در تعریف دیگر امنیت ملی وضعیتی است مبتنی بر اقتدار ملی که در آن منافع کشور در حوزه‌های چهارگانه ارزشی، حاکمیتی، شهروندی، ارضی یا در معرض تهدید نیست یا در صورت وجود تهدید احتمالی امکان مدیریت آن وجود داشته باشد (افتخاری، ۱۴۰۲: ۱۴).

امنیت ملی دارای دو بعد داخلی و خارجی است که به یکدیگر متصل و مرتبط هستند. در بعد داخلی مسائلی از قبیل تهدیدهای آشکار و پنهان که در درون مرزها نامنی به بار می‌آورد، مانند تهدیدهای سیاسی اعم از شورش، جدایی طلبی، انقلاب و غیره، در بعد اقتصادی شامل نابسامانی و بحران‌های اقتصادی، شغلی، فنی حرفه‌ای می‌باشد و در بعد نظامی مواردی مانند کودتا، جنگ داخلی .. و در بعد اجتماعی آشوب‌های اجتماعی، بحران قیومیت‌ها ... می‌باشد. هر کدام از این موارد می‌تواند مردم و حاکمیت را تحت فشار قرار دهد. در بعد خارجی نیز امنیت می‌تواند مواردی مثل مسایل سیاسی انزوا، اعمال فشارهای سیاسی و مسائل (نظامی از جمله حمله و تقویت نظامی دشمن و یا در ابعاد اقتصادی مثل تحریم‌های اقتصادی، لیست سیاه و موارد مشابه که مورد تهدید قرار دهد) (راد مهر، ۱۳۸۴: ۱۲۱-۱۲۲). در این پژوهش منظور از امنیت ملی تمرکز بر مصونیت مطلق یا نسبی یک کشور در برابر تروریسم دولتی و غیر دولتی بازیگران روابط بین‌الملل در اثر حمله نظامی، خراب‌کاری‌های مسلحانه، تخریب زیر ساخت‌های حیاتی جامعه، ترور و تضعیف نخبگان سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی، فنی و علمی همراه با توان وارد کردن ضربه کاری به دشمن در صورت مورد حمله قرار گرفتن و انجام اقدام تروریستی مورد توجه می‌باشد.

روش و چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش براساس مکتب کپنهاک از جمله آثار بری بوزان و اوله ویور با رویکرد آینده پژوهی می‌باشد. مکتب کپنهاک یکی از رهیافت‌هایی است که صرفاً بر مطالعات امنیتی تمرکز دارد و اندیشه‌ها و افق‌های جدیدی را در باب این مفهوم گشود. این مکتب بر آن

است تا مسائل سنتی امنیتی را به چالش بکشد و موضوعات تازه ای بر آن بیفزاید. این نظریه بر خلاف نظریه های سنتی لیبرالیسم و واقع گرایی دارای دیدگاهی تنگ نظرانه در باب امنیت نیست و موضوعات امنیتی را به محور نظامی و جنگ و صلح تقلیل نمی دهد و از سوی دیگر مانند نظریه های جدید «مانند نظریه های انتقادی و پست مدرنیسم» فقط در پی انتقاد و چالش اندیشه های قدیمی نمی باشد (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۴۳). در این راستا بوزان امنیت را «مفهومی توسعه نیافته» را دانسته و تلاش می کند یک تعریف دوباره مفهوم سازی شده از امنیت ارائه می دهد. عواملی مانند فروپاشی جهان دو قطبی و حاکم شدن شرایط جدید امنیتی بر سامانه بین المللی، بوزان را بر آن داشت تا با بازنگری در دیدگاه «مجموعه امنیت منطقه ای» در سال ۱۹۹۱ نظریه «مردم، دولت ها و هراس» پیشین خود، در ویرایش دوم کتاب را به شکلی مطرح نماید که قادر باشد تبیین بهتری از تحولات پیچیده جهان پس از جنگ سرد ارائه دهد (Buzan, 1991: 5). بیان نظریه جدید بر این فرض استوار بود که پایان جنگ سرد سبب آغاز ناامنی های بسیار گسترده ای شده است که ریشه در محدودیت های دیدگاه های واقع گرایانه و جهان گرایانه از ماهیت و ابعاد امنیت دارد. بدین ترتیب که مکتب واقع گرا با تلقی دولت به عنوان یگانه موضوع امنیت و نیز مکتب جهان گرا با تلقی نظام بدین الملل به عنوان یگانه عامل امنیت از کانون تکوین کرکت های اصلی منطقه غفلت کرده اند. بنابراین لازم است برای ارائه فهم مناسب از سرشت و سرنوشت امنیت به ساختار منطقه و ویژگی های کشورهای است که در منطقه ای خاص قرار دارند و از مطالعات امنیتی مشابهی برخوردارند، توجه کرد. هرچند این رویکرد بوزان به معنی نفی کامل دیگر رهیافت ها نیست. چنانچه خود به این نکته اشاره می کند که نظریه مجموعه امنیتی، منطقه ای مکملی برای دیدگاه های نو واقع گرایانه و جهان گرایانه است (Buzan and waver, 2003: 11)

این مکتب بر سه اصل استوار است: ۱- سطح تحلیل آن، جهانی نیست و بیشتر به تحلیل منطقه ای گرایش دارد. ۲- بخش ها و ابعاد امنیت، متعدد هستند و صرفاً نظامی گری را شامل نمی شود. ۳- در خصوص «امنیتی کردن» موضوعات نیز دیدگاه خاصی را دنبال کرده و باور به نفی آن دارد. حیطه امنیت در سه سطح جهانی، منطقه ای و داخلی صورت می پذیرد. وی ابعاد امنیت را در پنج بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی گسترش می دهد (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵-۱۶). مکتب کینهاک را می توان واکنشی نسبت به دیدگاه رئالیستها و لیبرالیستها نسبت به امنیت دانست.

در حالیکه رئالیست ها در بحث امنیت محوریت را به قدرت نظامی می دادند، لیبرال ها با خوش خیالی تامین امنیت را در دستیابی به صلح می دانستند در واقع چهارچوب تنگ و محدود دامنه امنیت در دیدگاه آنان در مکتب کپنهاک اصلاح گردیده است. بوزان بر خلاف دیدگاه رویکردهای پیشین در مورد امنیت که آن را امری عینی و واقعی تصور می کردند، بیان می دارد که امنیت مسئله ای است بین ذهنی که مبتنی بر تصمیم بازیگران خواهد بود بدین ترتیب ممکن است برداشت و ادراکات امنیتی مختلف و متفاوتی از سوی بازیگران مختلف حتی در مورد موضوعی خاص، روی دهد. از سوی دیگر برداشت و ارزیابی دیگران در مورد امنیتی ساختن یک موضوع توسط یک بازیگر اهمیت می یابد زیرا این برداشت و ارزیابی آنها در نهایت بر نحوه تصمیم گیری و پاسخ های آن ها تأثیر گذار خواهد بود (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۶-۱۳۷).

بر همین اساس در حالیکه یک موضوع در نزد بازیگری می تواند به عنوان تهدیدی امنیتی قلمداد شود همان مسئله نزد بازیگر دیگر مسئله ای عادی تلقی می شود. این مسئله «تنگنای امنیت» یا «دوراهی امنیت» نامیده می شود. به عنوان مثال در حالیکه کشوری افزایش قدرت نظامی خود را برای مقاصد دفاعی مد نظر قرار می دهد، این مسئله از سوی قدرت همسایه یا رقیب به عنوان تهدید علیه امنیت ملی خود تلقی می شود. بوزان با انتقاد از نگاه حداقلی به مسئله امنیت در دیدگاه سنتی در مورد مطالعات مربوط به قدرت و نظامی محوری، امنیت را در ابعاد پنج گانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گسترش داده است (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۴۲-۱۴۳).

بنابراین از نگاه ایشان امنیت چند بعدی و امنیت ملی و امنیت بین المللی به وسیله امنیت منطقه ای معنا و مفهوم می یابد. سیاست خارجی مناسب از نگاه این مکتب این است که به امنیت چند بعدی توجه نماید و برای کسب امنیت خویش نگاه ویژه ای به امنیت منطقه ای داشته باشد. نظریه امنیتی کپنهاک با تأکید بر ماهیت اجتماعی و گفتمانی امنیت، چارچوبی تحلیلی فراهم می کند که امکان بررسی پدیده تروریسم فراتر از برداشت های سنتی و صرفاً نظامی را فراهم می سازد. در مطالعه موردی تروریسم در ایران، نظریه کپنهاک این امکان را فراهم می آورد که هم خود تهدید تروریستی و هم نحوه بازنمایی و مدیریت آن در گفتمان رسمی و سیاست های امنیتی کشور مورد تحلیل قرار گیرد. ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خاص، قرار گرفتن در محیط امنیتی ناپایدار و همجواری با مناطق درگیر منازعه، تهدیدات تروریستی از سوی قدرت های بزرگ از جمله ایالات متحده آمریکا و رژیم

صهیونیستی و همینطور بازیگران تروریست غیر دولتی مانند گروه‌های سلفی به‌طور مستمر با اشکال مختلفی از تهدیدهای تروریستی مواجه بوده است. از منظر نظریه کپنهاک، این تهدیدها زمانی به مسئله امنیتی برجسته تبدیل می‌شوند که در گفتمان نخبگان سیاسی و نهادهای رسمی، به‌عنوان تهدیدی وجودی علیه بقا، ثبات یا هویت ملی بازنمایی شوند. که در حال حاضر ترور، تهدید رهبران جمهوری اسلامی مصداقی از تهدیداتی است که از طرف تروریسم سبب نا امنی و اختلال در حکمرانی و بقای نظام حاکم می‌گردد.

یکی از مهم‌ترین مفاهیم نظریه کپنهاک که در مطالعه تروریسم در ایران کاربرد دارد، مفهوم «بخش‌های امنیتی» است. تروریسم در ایران نه‌تنها در بعد نظامی و فیزیکی قابل تحلیل است، بلکه در بخش‌های سیاسی و اجتماعی نیز پیامدهای مهمی دارد. در بعد سیاسی، اقدامات تروریستی می‌توانند مشروعیت و اقتدار دولت را در حوزه حکمرانی مورد هدف قرار دهند و توانایی آن در تأمین امنیت شهروندان را به چالش بکشند. در بعد اجتماعی، تروریسم می‌تواند انسجام هویتی، همزیستی قومی و مذهبی و احساس ملی را تحت تأثیر قرار دهد. در نهایت، می‌توان گفت که نظریه امنیتی کپنهاک، چارچوبی کارآمد برای مطالعه موردی تروریسم در ایران ارائه می‌دهد؛ چارچوبی که امکان بررسی هم‌زمان تهدیدهای عینی، فرایندهای گفتمانی، نقش کنشگران سیاسی و پیامدهای اجتماعی و سیاسی سیاست‌های امنیتی را فراهم می‌سازد. این رویکرد نشان می‌دهد که تروریسم در ایران نه‌تنها یک پدیده امنیتی، بلکه مسئله‌ای سیاسی - اجتماعی است که در تعامل میان دولت، جامعه و نظام بین‌الملل معنا پیدا می‌کند. بر این اساس، تحلیل تروریسم در ایران با بهره‌گیری از نظریه کپنهاک، می‌تواند درک عمیق‌تری از پیچیدگی‌های امنیت ملی و چالش‌های حکمرانی امنیتی در کشور ارائه دهد.

در مورد رویکرد آینده پژوهی باید گفت هدف آن دستیابی به سناریوهای احتمالی در برابر تروریسم می‌باشد که اقدامی کاربردی و توسعه‌ای است. آینده پژوهی به مطالعات آینده معنی شده است و می‌کوشد با استفاده از جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها و به‌کارگیری روشهای علمی در پیچه‌ای به سوی آینده بگشاید. آینده پژوه با استفاده از روشهای علمی و شهودی و تجربی رویدادهای آینده را شناسایی و کشف می‌کند و سپس با استفاده از روشهای علمی و متناسب با فرهنگ جامعه در آفرینش آینده‌های مطلوب نقش آفرینی کند. تصویری که آینده پژوه در اختیار می‌گذارد در سه مقوله طبقه بندی می‌شود آینده ممکن، آینده محتمل، آینده مطلوب می‌باشد (منطقی،

۱۳۹۰: ۵۳). از مهمترین روشهای آینده پژوهی سناریو نویسی می باشد که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. آینده شناسان معمولاً دو یا چند سناریو یا متن متفاوت در مورد آینده که امکان احتمال یا وقوع آن بیشتر است تدوین می نمایند، آنها براین باورند که آینده های متفاوتی احتمال وقوع دارند (مرادی پور، ۱۳۸۴: ۴۷). بنابراین آینده پژوهی دیدن هر چیز قبل از وقوع آن است. بحران ها سیاسی و تحولات بین المللی به جز در موارد استثنایی علائم هشدار دهنده ای را قبل از وقوع از خود بروز می دهند. که براساس این رویکرد نباید به راحتی از کنار این علائم هشدار دهنده عبور کنند. این رویکرد چشم صاحب نظران را نسبت به رویدادها، فرصتها و مخاطرات احتمالی آینده باز نگه داشته و ابهامات موجود را کاهش داده و توانایی انتخاب گزینه های هوشمندانه جا و عالمانه را افزایش می دهد از این رو به سیاستمداران یک کشور این بینش را می دهد که بدانند که به کجاها می توانند بروند، به کجا باید بروند و از چه مسیرهایی می توانند با سهولت بیشتری به آینده های مطلوب خود برسند و از این طریق منافع ملت و جامعه خود را بدون کمترین تعارض با محیط منطقه ای و بین المللی تامین نمایند.

جایگاه تروریست در گفتمان دینی جمهوری اسلامی ایران

تروریسم یکی از چالش برانگیزترین پدیده های عصر مدرن است که با هدف ایجاد رعب و وحشت در میان مردم، اعمال خشونت آمیز را به صورت هدفمند انجام می دهد؛ این اقدامات به طور معمول با انگیزه های سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک صورت می گیرد و قربانیان آن اغلب افراد غیرنظامی هستند که هیچ نقشی در منازعات ندارند. از منظر گفتمان دین تروریست نه تنها یک بازیگر سیاسی بلکه نمادی از تهدید علیه ارزش ها و اصول جهانشمول بشریت و در تضاد با اندیشه های دینی اسلام می باشد. با تحلیل محتوی از آیات و روایات اسلامی در دین مبین اسلام و فقه سنتی دو مذهب بزرگ اسلام یعنی شیعه و سنی ترور جایگاهی ندارد. برخی شخصیت های گفتمان ساز در سده های اولیه اسلام از جمله ابن تیمیه و ابن قیم که سلفی ها به آنها استناد می کنند ارتباط ذاتی با تروریسم ندارند بلکه تروریسم سلفی از گفتمان آنها بهره برده است. قرآن و احادیث معتبر به هیچ وجه کشتار بیگناهان را به رسمیت نمی شناسند. در واقع، هر شخصی با هر انگیزه ای که در غرب یا هر جای دیگر، به نام جهاد دست به ترور می زند این اصلاح را که در اصل، اصلاح

مقدس است بدانام می کنند و هیچ مرجع دینی رسمی و مطرح در جهان اسلام اعمال آنها را به معنای فقهی و کلامی اصلاح جهاد نمی شمارد. اولین شخصی که جهاد را رادیکالیزه کرد و آن را جزو ارکان اصلی دین قرار داد، ابن تیمیه بود، ولی وی کشتن غیرنظامیان و ترور را تجویز نکرد (قادری کنگاوری، ۱۳۹۱: ۱۰۱).

از نظر اجماع عامه علمای اسلام اعم از شیعه و سنی تروریسم علاوه بر تجاوز آشکار به حقوق بندگان خدا، هرج و مرج و اختلال نظام اجتماعی را در پی دارد؛ لذا به طور کلی در اسلام از ترور مخالفین نهی شده است. به نظر می رسد اندیشه تروریست مولود جدید فرهنگ سکولار غرب بوده که به برخی نحله های مذهبی از جمله سلفیت پس از سقوط امپراطوری عثمانی و امپراطوری ایران در دوران جدید سرایت پیدا کرده است. مداخله ایدئولوژیک به ویژه تجاوز نظامی به ژئوپلیتیک و گستره فرهنگی-گفتمانی سرزمین های اسلامی و ایجاد حکومت های سکولار در کشورهای اسلامی همواره موجب شکل گیری اندیشه های تقابلی بوروکراتیک و یا رادیکال و افراطی به عنوان واکنش گردیده است. این اندیشه ها در صورت وجود بستر متناسب به نوعی اسلام سیاسی تبدیل شده است که می توان آن را در ایران، مصر و ترکیه به صورت جریان های عملی در شکل احزاب، گروه های سیاسی و حتی شبه نظامی دنبال کرد. در صورت فشار زیاد و عدم وجود بستر و شرایط برای اقدام سیاسی بوروکراتیک، اندیشه و عمل واکنشی در نهایت در شکل گروه های تروریستی در برخی مناطق مانند افغانستان و پاکستان ظهور پیدا کرده است (عبداللهی ضیاالدینی، ۱۴۰۰: ۱۸۲).

اسلام برای جان، مال و آبروی انسان ها حرمت قایل است. این امر حکایت از آن دارد که نمی توان با حرکات تروریستی، جان، مال و آبروی انسان ها را به خطر انداخت، برای نمونه، بر اساس آیات شریفه «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ (انعام: ۱۵۱)». «انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید! مگر بحق و از روی استحقاق) و «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (بقره: ۱۹۰)». «در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی دارد، جان تمام انسان ها و حتی غیر مسلمانان دارای احترام بوده و تنها در موارد محدودی چون دفاع مشروع، قصاص و ... می توان جان انسانی را ستاند و حتی در این موارد نیز نباید از حد و حدود الهی و راه های متعارف خارج شد. همچنین در

قرآن کریم، برای کسانی که جان و مال دیگران را در معرض خطر قرار داده و ترس و تهدید را بر مردم بی‌گناه تحمیل می‌کنند، مجازات‌های حقوقی سنگینی در نظر گرفته شده است که همین امر نشان از آن دارد که اسلام همواره درصدد پیشگیری از ترورو تروریسم بوده است. در همین راستا در آیه شریفه‌ای می‌خوانیم: «مَنْ أَجْلٍ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ» (مائده: ۳۲). «هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است». در این آیه، تنها کشتن دو دسته از انسان‌ها جایز شمرده شده است: قتل نفس در مقابل نفس و کشتن افرادی که فتنه و فساد اجتماعی در زمین ایجاد می‌کنند. از نگاه اسلام، قتل کسی که مرتکب این دو عمل نشده، قتلی ناروا است و در حکم قتل جمیع افراد جامعه است.

بنابراین تروریسم به‌عنوان پدیده‌ای پیچیده چندوجهی در جهان معاصر یک چالش فکری، اخلاقی و دینی نیز به شمار می‌رود. براساس تحلیل روانشناسان بر اساس آنچه که آنها به دنبال آن هستند این افراد با انگیزه‌هایی مانند انتقام‌جویانه، جاه‌طلبانه، هویت‌جویانه و هیجان‌جویانه جذب این گروه‌ها می‌شوند (Colonel, 2110:8). لذا جریان‌های افراطی با سوءاستفاده از مفاهیم و متون دینی، اعمال خشونت‌آمیز خود را به اسلام نسبت می‌دهند و از سوی دیگر، در فضای بین‌المللی، گاه تصویری نادرست و تقلیل‌گرایانه از نسبت اسلام و خشونت ارائه می‌شود. اسلام دینی است که بر پایه توحید، عدالت، کرامت انسانی و حفظ نظم و امنیت اجتماعی بنا شده است. در منظومه فکری اسلام، امنیت یکی از اساسی‌ترین نیازهای فرد و جامعه تلقی می‌شود و بدون آن، تحقق سایر اهداف دینی و اجتماعی ممکن نیست. با تحلیل محتوی از قرآن کریم امنیت نعمتی الهی می‌باشد و پیامبران الهی را مأمور هدایت انسان‌ها به سوی زندگی همراه با آرامش، عدالت و صلح معرفی می‌کند. بر این اساس، هرگونه کنش خشونت‌آمیز که به ایجاد ترس، ناامنی و سلب آرامش از جامعه منجر شود، با فلسفه بنیادین دین اسلام در تعارض قرار دارد. یکی از اصول محوری در نگاه اسلام به مسئله خشونت، حرمت جان انسان است. قرآن کریم قتل ناحق یک انسان را هم‌سنگ قتل همه بشریت معرفی می‌کند و این بیان، نشان‌دهنده جایگاه والای حیات انسانی در نظام ارزشی اسلام است. این اصل، مرز روشنی

میان اسلام و تروریسم ترسیم می‌کند؛ زیرا تروریسم، مبتنی بر خشونت کور و هدف‌گیری افراد بی‌گناه، به‌ویژه غیرنظامیان است. از منظر اسلامی، هیچ هدف سیاسی، ایدئولوژیک یا مذهبی نمی‌تواند مجوزی برای کشتار بی‌گناهان و ایجاد رعب عمومی باشد. در فقه اسلامی هم، استفاده از زور و خشونت تنها در چارچوبی بسیار محدود و تحت ضوابط دقیق اخلاقی و حقوقی مجاز دانسته شده است. جهاد، که یکی از مفاهیم پرچالش در این زمینه است، در اندیشه اسلامی به‌هیچ‌وجه با تروریسم قابل‌قیاس نیست. جهاد در اسلام، تابع شرایط خاص، تحت رهبری مشروع و با رعایت اصولی همچون تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان، منع کشتار زنان، کودکان، سالمندان و ممنوعیت تخریب بی‌هدف اموال عمومی تعریف می‌شود. در مقابل، تروریسم با نادیده گرفتن این قیود، خشونت را به امری مطلق و نامحدود تبدیل می‌کند و از همین‌رو، از منظر اسلامی فاقد هرگونه مشروعیت شرعی است. اسلام همچنین مفهوم «افساد فی الارض» را به‌عنوان یکی از شدیدترین اشکال انحراف اجتماعی و اخلاقی معرفی می‌کند. افساد فی الارض به معنای برهم زدن نظم عمومی، گسترش ناامنی، تخریب بنیان‌های اجتماعی و ایجاد ترس در میان مردم است. در واقع تروریسم مصداق روشن افساد فی الارض می‌داند؛ زیرا هدف اصلی آن ایجاد وحشت عمومی و بی‌ثبات‌سازی جامعه است. در این چارچوب، تروریسم نه تنها عملی غیراخلاقی، بلکه رفتاری ضد دینی و مغایر با مقاصد شریعت اسلامی محسوب می‌شود از منظر اخلاق اسلامی، خشونت باید همواره تابع عقلانیت، عدالت و ضرورت باشد. اسلام انسان‌ها را به گفت‌وگو، صبر، مدارا و اصلاح مسالمت‌آمیز دعوت می‌کند و استفاده از زور را آخرین راه‌حل در شرایط استثنایی می‌داند. سیره پیامبر اسلام (ص) نمونه روشنی از این رویکرد است؛ به‌گونه‌ای که ایشان حتی در مواجهه با دشمنان، تا حد امکان از خشونت پرهیز می‌کرد و تلاش داشت از طریق اقناع اخلاقی و گفت‌وگو، تعارض‌ها را مدیریت کند. این سیره تاریخی، به‌وضوح نشان می‌دهد که خشونت تروریستی هیچ جایگاهی در الگوی رفتاری اسلام ندارد. در سطح سیاسی، نسبت دادن تروریسم به اسلام، اغلب نتیجه قرائت‌های افراطی، گزینشی و غیرتاریخی از متون دینی است. گروه‌های تروریستی با جدا کردن آیات و مفاهیم از بستر تاریخی و تفسیری آن‌ها، تفسیری ایدئولوژیک و خشونت‌محور از دین ارائه می‌دهند. و سوءاستفاده از دین برای توجیه خشونت، بیشتر ریشه در بحران‌های قدرت، هویت و مشروعیت دارد تا در اینکه در احکام و تعالیم اسلامی داشته باشد. بنابراین می‌توان گفت که تروریسم از نگاه اسلام، پدیده‌ای مردود، نامشروع

و مغایر با اصول بنیادین این دین است. اسلام نه تنها تروریسم را تأیید نمی‌کند، بلکه با تأکید بر کرامت انسانی، عدالت، امنیت و صلح اجتماعی، به صراحت آن را محکوم می‌نماید. بررسی تروریسم از منظر اسلام نشان می‌دهد که پیوند دادن این پدیده به آموزه‌های اسلامی، تحریفی آشکار و غیرعلمی است که بیش از آنکه ریشه در دین داشته باشد، محصول قرائت‌های افراطی و بهره‌برداری سیاسی از مذهب است. از این رو، تبیین دقیق و علمی نگاه اسلام به تروریسم، می‌تواند نقش مهمی در تصحیح برداشت‌های نادرست و تقویت گفت‌وگو صلح، عقلانیت و امنیت در جوامع اسلامی و بین‌المللی ایفا کند.

روند پژوهی تروریسم بین‌الملل و امنیت ایران

تروریسم بین‌الملل یکی از پیچیده‌ترین و چندبعدی‌ترین چالش‌های امنیتی جهان معاصر محسوب می‌شود که پیامدهای آن فراتر از مرزهای فیزیکی و جغرافیایی است و می‌تواند امنیت، ثبات سیاسی و انسجام اجتماعی هر کشور را تهدید کند. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای و جهانی طی دهه‌های گذشته هدف انواع تهدیدات تروریسم بین‌الملل قرار گرفته است. این تهدیدها نه تنها جان افراد را هدف قرار داده‌اند، بلکه با هدف تضعیف اقتدار ملی، تخریب انسجام اجتماعی و فشار بر برنامه‌های علمی و دفاعی کشور طراحی شده‌اند. در واقع تروریسم بین‌الملل در جهان معاصر نه تنها به‌عنوان یک تهدید امنیتی فراملی شناخته می‌شود، بلکه به ابزار فشار و رقابت سیاسی در روابط بین‌کشورها تبدیل شده است. جمهوری اسلامی ایران، به‌دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی، سیاست خارجی مستقل و برنامه‌های علمی و دفاعی پیشرفته، به‌طور مستمر هدف تهدیدهای تروریستی بین‌المللی قرار گرفته است. در این چارچوب، ترور شخصیت‌های علمی و امنیتی به‌ویژه دانشمندان هسته‌ای و فرماندهان نظامی و امنیتی، مهم‌ترین مصداق این تهدیدات است که پیامدهای عمیقی در حوزه امنیت ملی، سیاست خارجی و جامعه ایران به‌جا گذاشته است. تروریسم بین‌المللی را که از دهه ۱۹۶۰ آغاز شده بود، با عبور از مرزهای مل تروریسم جهانی ر به وجود آورد و با اتفاق یازده سپتامبر در سال ۲۰۰۱ جهانی شد. این موج با توجیه مذهبی برای کشتار از طرف بنیادگرایان ادیان الهی اعم از مسیحیت، یهودیت و اسلام و با گسترش دامنه بین‌المللی، تاکتیک‌ها و سلاح‌های خونین بی‌نظیر و وابستگی به فناوری‌های مدرن‌پره بر روز رسانی شد. ارتباطات بیشتر، سهولت سفر جهانی یعنی حرکت در مرزها و دسترسی به منابع مالی و سلاح‌های کشتار جمعی و داشتن نیروی هوایی و بمباران هوایی

به مرحله تکامل خود رسیده است. در این نوع تروریسم استفاده از هر سلاحی قابل توجیه است و به جنگ همه علیه همه تبدیل شده است (What Is Terrorism: 12). از سال ۱۳۸۸ هجری شمسی، موجی از عملیات تروریستی هدفمند علیه دانشمندان هسته‌ای ایران آغاز شد که نمایانگر گونه‌ای از تروریسم راهبردی است؛ یعنی الگویی که هدف آن تضعیف توان علمی و تکنولوژیک یک کشور و تأثیرگذاری مستقیم بر سیاست‌های راهبردی آن است. نخستین مورد برجسته در این زمینه، ترور مسعود علی محمدی، فیزیک‌دان هسته‌ای و استاد دانشگاه، بود که در ۲۲ دی ۱۳۸۸ در تهران بر اثر انفجار بمب مغناطیسی کار گذاشته شده توسط موتورسیکلت‌سواران با حمایت آمریکا و اسرائیل ترور شدند (پایگاه اطلاع رسانی حوزه: ۱۴۰۴: ۱).

در ادامه همان سال، در ۸ آذر ۱۳۸۹ مجید شهریاری، استاد و متخصص فیزیک هسته‌ای و از شاخص‌ترین اعضای برنامه هسته‌ای کشور، در یک حمله مشابه در تهران ترور شد. (خبرگزاری مشرق: ۱۳۸۹). در همان روز، کوشش برای ترور فریدون عباسی، دیگر دانشمند برجسته، با بمب مغناطیسی نیز انجام شد که او را مجروح کرد، هرچند زنده ماند (خبرگزاری دانشجو: ۱۴۰۴). در سال‌های بعد، این موج ادامه یافت؛ داریوش رضائی‌نژاد از دانشمندان هسته‌ای ایران، اول مرداد سال ۹۰، توسط عوامل موصاد در دیدگان همسر و تنها دختر خردسالش در شرق تهران هدف ترور قرار گرفت (باشگاه خبرنگاران جوان: ۱۴۰۳) و مصطفی احمدی روشن، صبح چهارشنبه ۲۱ دی ماه ۹۰، بر اثر انفجار بمبی مغناطیسی در خودروی خود در میدان کتابی، ابتدای خیابان گل نبی تهران توسط عوامل موصاد ترور شد (پایگاه بصیرت: ۱۳۹۸). ۷ آذر ۱۳۹۹ یکی از شاخص‌ترین ترورها علیه ایران رخ داد؛ محسن فخری‌زاده مهابادی، دانشمند برجسته هسته‌ای و از چهره‌های کلیدی پروژه‌های تحقیقاتی ایران، در حمله‌ای پیچیده در حوالی تهران به شهادت رسید؛ حمله‌ای که به دست «عاملان ناشناس» با پشتیبانی موصاد اجرا شد (خبر تابناک: ۱۳۹۹). تنوع و تکرار این ترورها نشان می‌دهد که تهدید تروریسم بین‌الملل علیه ایران طی بیش از یک دهه، ساختارمند، هدفمند و راهبردی بوده است و بازیگران خارجی با استفاده از عملیات‌های مخفیانه و پیچیده تلاش کرده‌اند توان علمی و تکنولوژیک ایران را تضعیف کنند. این اقدامات نه تنها اهداف عملیاتی علمی را نشانه گرفته‌اند، بلکه اثرات معنایی و روانی نیز دارند: ایجاد رعب در میان نخبگان، کاهش سرمایه انسانی متخصص و تغییر

محاسبات امنیتی کشور در حوزه توسعه هسته‌ای از جمله پیامدهای تروریسم دولتی آمریکا و اسرائیل بوده است.

در کنار دانشمندان هسته‌ای، طی سال‌های اخیر نیز فرماندهان نظامی و امنیتی ایران هدف تهدیدات تروریستی - و در مواردی حملات گسترده مسلحانه - قرار گرفته‌اند. یکی از برجسته‌ترین موارد، ترور سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حمله پهبادهای آمریکایی به فرودگاه بغداد در بامداد جمعه ساعت ۰۱:۲۰ دقیقه ۱۳ دی ۱۳۹۸ انجام گرفت (خبرگزاری آنا: ۱۳۹۹). این اقدام که از سوی دولت آمریکا بصورت مستقیم انجام شد، نشان داد که تهدیدهای تروریستی علیه مقامات ارشد ایران می‌تواند از سوی دولت‌های رسمی و با توجیحات امنیتی بین‌المللی نیز اجرا شود - هرچند ایالات متحده آن را «حمله نظامی» توصیف کرد، اما از جانب بیشتر کشورها به‌عنوان تروریسم دولتی تلقی شد.

در پی تنش‌های نظامی و امنیتی در سال ۲۰۲۵ نیز، در جریان یک سری حملات هوایی گسترده علیه تأسیسات و فرماندهان ایران، شمار زیادی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران و دیگر نهادهای نظامی و علمی همراه با خانواده خود و همسایگان خود ترور شدند. با این حال شکل جدیدی از تروریسم دولتی توسط یک دولت برای اولین بار به نام «تروریست خانگی» زایش پیدا کرد که بی سابقه بوده است. این نوع تروریسم توسط اسرائیل در جهان متولد شد. تروریست خانگی یعنی اینکه افراد مورد هدف ترور با اعضای خانواده و وابستگان و همسایگان که ممکن است از شهروندان عادی بی طرف جامعه باشند همراه فرد هدف ترور و قربانی شوند. در اکتبر ۲۰۲۵، معاون فرمانده سپاه پاسداران در امور هماهنگی، سردار محمدرضا نقدی، بیان کردند که ایران از حمله اولیه اسرائیل غافلگیر شده است. ایشان بیان داشتند که انتظار می‌رفت اسرائیل سایت‌های هسته‌ای و موشکی را هدف قرار دهد، اما تصور نمی‌کرد که به فرماندهان و دانشمندانی که در خانه‌های خود با همسران و فرزندان‌شان خوابیده‌اند، حمله کنند و با این شکل تازه ترور جهان آشنایی نداشت (zimmet, 2025: 13).

معروفترین این ترورها سردار حسین سلامی، فرمانده کل سپاه، سردار محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح همراه با همسر و دخترش و سردار غلامعلی رشید، فرمانده مرکز خاتم‌الانبیا به همراه فرزندش، امیر علی حاجی زاده فرمانده هوا و فضای سپاه پاسداران، چندین شخصیت علمی

مانند فریدون عباسی، رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی، محمدمهدی تهرانچی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی به همراه همسر و چهار محافظ، و عبدلحمید مینوچر از دانشمندان هسته‌ای و سید امیرحسین فقهی عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی و رییس پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای و احمدرضا ذوالفقاری عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی و مدیر مسوول فصلنامه فناوری و انرژی هسته‌ای و اکبر مطلبی‌زاده عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی و دانشمند هسته‌ای نیز توسط دولت اسرائیل بصورت مستقیم ترور شدند. دامنه و عمق ترور چنان بود که برخی از اعضای خانواده این افراد نیز همراه با آنها به عنوان قربانیان ترور بودند. از معروفترین آنها محمد رضا صدیقی از مهندسين هسته ای به همراه دوازده نفر از اعضای خانواده در آستانه اشرفیه استان گیلان ترور شدند (خبرنگار تابناک: ۱۴۰۴). مورد دیگر از تروریسم دولتی تروریست مسلحانه و حمله به زیرساختهای ایران توسط دولتهای آمریکا و اسرائیل می باشد سایت تبدیل اصفهان، که مرکز فناوری هسته‌ای اصفهان (ENTC) را در خود جای داده است، و دو سایت غنی‌سازی در نطنز و فردو. به دلیل نقش حیاتی آنها در قابلیت‌های هسته‌ای دوگانه ایران، هر سه مورد هدف حملات اسرائیل قرار گرفتند که از ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ با درجات مختلفی از خسارت آغاز شد و متعاقباً در ۲۲ ژوئن مورد حملات ایالات متحده قرار گرفت (Michele, 2025: 11).

در ۹ اسفند ۱۴۰۴ش در ادامه تروریسم خانگی به مهمترین نماد اعتقادی شیعیان یعنی «بیت رهبری» یکی از بزرگترین حملات تروریسم خانگی که منجر به ترور آیت الله سید علی خامنه‌ای همراه با دختر، داماد، عروس و نوه ۱۴ ماهه ایشان و شماری از مسئولان ارشد سیاسی و نظامی ایران که میهمان ایشان در بیت بودند از جمله سید عبدالرحیم موسوی ریس ستاد نیروهای مسلح، محمد پاکپور فرمانده سپاه، علی شمخانی مشاور رهبری، عزیز نصیرزاده وزیر اطلاعات ترور شدند که این اتفاق موجب جنگ تحمیلی سوم یا جنگ رمضان ۱۴۰۴ گردید و در اثنای جنگ رمضان هم سید اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات و علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی و همچنین تعداد زیادی از شهروندان ایرانی ترور شدند (ویکی شیعه، ۱۴۰۴: ۱).

اکثریت روحانیون مسلمان اعم از شیعه و سنی و نیز رهبران ادیان دیگر همچون پاپ لئو چهاردهم رهبر کاتولیک‌های جهان این شیوه از جنگ مبتنی بر «تروریسم خانگی» را محکوم کردند. برخی از عالمان مسلمان همچون آیت‌الله جوادی آملی مرجع تقلید مسلمانان شیعه، فتوای جهاد بر

علیه اسرائیل و آمریکا دادند (ویکی شیعه، ۱۴۰۴: ۱). مردم ایران از آغاز جنگ، راهپیمایی و تجمعات شبانه‌روزی خیابانی به راه انداختند و با محکومیت جنگ و عاملان آن، حمایت خود از نیروهای مسلح ایران را اعلام کردند. میلیون‌ها نفر از مردم ایران با ثبت‌نام در پویش «جان‌فدا، برای ایران»، آمادگی خود جهت دفاع از خاک و وطنشان اعلام کردند (پویش جان‌فدا، ۱۴۰۵: ۱).

این حملات نشان داد که تهدیدات تروریسم بین‌الملل علیه ایران در برخی مقاطع به شکل عملیات نظامی مستقیم با اهداف راهبردی سیاسی، نظامی و علمی تبلور یافته است، و این خود بازتاب‌دهنده یک چرخه پیچیده از رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پیرامون مسائل امنیتی و هسته‌ای است. در کنار تهدیدات بازیگران تهدیدات تروریستی باید گروه‌های سلفی را هم اضافه کرد که به عنوان همیار و دستیار بازیگران تروریست دولتی علیه منابع قدرت کشورهای مسلمان منطقه غرب آسیا از جمله سوریه، عراق، افغانستان، پاکستان، لبنان، یمن، ایران، ترکیه و کشورهای مسلمان شمال آفریقا دارای شبکه تروریستی می‌باشند. آنها تحت تاثیر سازمان‌های جاسوسی کشورهای غربی علیه شهروندان و دولتهای اسلامی اقدامات تروریستی انجام می‌دهند. تروریسم سلفی - جهادی در ایران پدیده‌ای فراگیر، پیچیده و چندبعدی است که ریشه در گرایش‌های افراطی سلفی و تکفیری دوران معاصر دارد و از دهه‌های اخیر تاکنون تجربه‌های تلخ تاریخی و امنیتی در کشور بر جای گذاشته است. جریان‌های سلفی - جهادی در ایران با بهره‌گیری از همگرایی ایدئولوژیک با شبکه‌های فراملی مانند داعش (دولت اسلامی عراق و شام) و با بهره‌برداری از فضای ضعف امنیتی و تبعیض‌های منطقه‌ای، تهدید امنیت ملی و اجتماعی کشور را افزایش داده‌اند. این گروه‌ها نه تنها با عملیات نظامی - امنیتی علیه نیروهای دولتی روبه‌رو بوده‌اند، بلکه به‌طور فزاینده مراکز مذهبی و غیرنظامیان را هدف قرار داده‌اند تا از طریق ابزار خشونت، فضای ناامنی، رعب و تفرقه را گسترش دهند. یکی از برجسته‌ترین مصداق‌های خشونت تکفیری - سلفی در ایران، حادثه تروریستی حرم شاه‌چراغ در شیراز است. در ۴ آبان ۱۴۰۱ (۲۶ اکتبر ۲۰۲۲)، فرد یا افرادی مسلح با ورود به حرم مطهر شاه‌چراغ (احمد بن موسی کاظم) یکی از زیارت‌گاه‌های مهم شیعیان در شهر شیراز به‌صورت بی‌هدف و بی‌تمایز به سوی زائران و خدام امامزاده آتش گشودند و منجر به کشته شدن حدود ۱۵ تن از جمله زنان و کودکان و زخمی شدن بیش از ۴۰ نفر شدند این حمله که در زمان نماز عصر رخ داد، از سوی گروه دولت اسلامی

(داعش) به عنوان عملیات تروریستی تکفیری شناخته شد، (خبرگزار ایرنا، ۱۴۰۲). اگرچه برخی تحلیل‌ها بر نقش شبکه‌های پیچیده خارجی یا تاثیرپذیری از فضاهای بی‌ثبات منطقه‌ای تأکید داشتند. پس از این حمله، دستگاه قضائی ایران با رسیدگی قضائی گسترده اعلام کرد که ۲۶ نفر از «تروریست‌های تکفیری» در ارتباط با این اقدام دستگیر شده‌اند و برخی از آن‌ها حتی در استان‌های مختلف کشور از جمله فارس، تهران و خراسان رضوی بازداشت شدند. همچنین در سال‌های پس از این حادثه، عاملان و متهمان مرتبط با این حمله تحت عناوین «مفسد فی الارض» و «جنگ علیه خدا» محاکمه و برخی حکم اعدام برای آنان صادر و اجرا شد. اهمیت حادثه شاه‌چراغ شیراز در این است که برای نخستین بار یک زیارت‌گاه مذهبی شیعی مهم در قلب یک شهر نسبتاً بزرگ در ایران - که پیش‌تر چنین اهدافی به ندرت در آن رخ داده بود - هدف مستقیم حمله مسلحانه قرار گرفت. این موضوع نشان‌دهنده تغییر ماهیت تهدیدات سلفی - تکفیری است؛ یعنی این تهدیدها دیگر محدود به مناطق مرزی نبوده و به مراکز نمادین فرهنگی و مذهبی نیز سرایت کرده‌اند، و در عین حال بهره‌برداری از بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای برای نفوذ و اجرای عملیات در فضاهای داخلی ایران را نمایان می‌سازد.

در امتداد این الگو، نمونه دیگری از حملات مرتبط با ایدئولوژی تکفیری - سلفی در حرم امام رضا(ع) در مشهد رخ داد که هرچند از نظر تاکتیکی با حملات بزرگ‌تر متفاوت است، در چارچوب مشابهی قابل تحلیل است؛ در سال ۱۴۰۱ (آوریل ۲۰۲۲)، فردی با انگیزه‌های ضد اسلام شیعی وارد حرم امام رضا(ع) شد. این اتفاق ظهر روز سه‌شنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۱ اتفاق افتاد. این فرد که از اتباع افغان بودند با چاقو به سه روحانی در جلوی چشم زائران و مجاوران به نام‌های محمد اصلانی و محمدصادق دارابی را ترور کردند و یک طلبه دیگر را مجروح کردند (خبرگزاری مشرق: ۱۴۰۲). مقامات این حمله را ناشی از گرایش‌های افراطی تکفیری معرفی کردند که علیه مسلمانان شیعه اقدام کرده است. این حمله نشان داد حتی در فضاهای مذهبی - فرهنگی که انتظار امنیت و احترام متقابل وجود دارد، فراطرایی سلفی - تکفیری توان انجام عملیات فردی را دارد.

سابقه تهدیدات سلفی - جهادی در ایران به پیش از این حوادث نیز بازمی‌گردد. گروه‌های تجزیه طلب با ایدئولوژی سلفی تکفیری مانند جندالله و جیش العدل (Army of Justice) در مناطق مرزی سیستان و بلوچستان در سال‌های نخست قرن بیست و یکم تا کنون فعال هستند. جندالله، با ادعای دفاع از حقوق اقلیت‌های سنی، عملیات‌های مسلحانه، بمب‌گذاری و آدم‌ربایی علیه نیروهای

امنیتی و نظامی انجام داده که در اسناد رسمی ایران به عنوان گروه تروریستی شناخته می‌شود. پس از سرکوب نسبی آن، گروه‌هایی مثل جیش العدل و انصار الفرقان شکل گرفتند که همچنان از تاکتیک‌های خشونت‌آمیز علیه نیروهای امنیتی و شهروندان ایرانی اعم از دولتی و غیر دولتی استفاده می‌کنند. این اقدامات با حمایت بازیگران دولتی تروریسم انجام می‌گیرد. عبدالملک ریگی در اعترافات خود به این نکته اشاره کرده است که از طرف آمریکا به وی وعده هر گونه همکاری را داده بودند و حتی می‌خواستند یک پایگاه نظامی در نزدیکی مرز ایران با هر گونه امکانات مادی و انسانی در اختیار وی بگذارند. او به نقل از عوامل سازمان اطلاعاتی آمریکایی، اعتراف می‌کند که CIA بر این بارو است که جند الله قدرت به چالش کشیدن ایران را در منطقه دارد و می‌تواند نظام اسلامی را با مشکل مواجه کند. در کنار حمایت‌های مالی، گروه‌های تروریستی از حمایت‌های رسانه‌ای ناتو برخوردار هستند. به همین دلیل رسانه‌های ناتوی غربی در ابتدا تلاش کردند ریگی را فردی مبارز در راه آرمان‌های آزادی خواهی معرفی کنند و چهره‌ای موجه از وی نمایش دهند. در همین راستا به جای استفاده از جند الله در مورد گروه وی که یادآور خشونت‌های آنان است، از عنوان «جنبش مقاومت مردمی ایران» استفاده کردند (هاشمی نجف آبادی، ۱۴۰۲: ۱). اگرچه این گروه‌ها غالباً ریشه در مسائل هویتی - قومی دارند، اما ساختار و تاکتیک‌هایشان با گرایش‌های تکفیری و سلفی هم‌راستا بوده و مورد توجه شبکه‌های بزرگ‌تر افراط‌گرا و بازیگران دولتی مخالف نظام اسلامی ایران قرار گرفته‌اند. تروریسم سلفی - جهادی علیه ایران پیامدهای گسترده‌ای بر عرصه‌های امنیت ملی، اجتماعی و روانی داشته است. در سطح امنیت ملی، چنین حملاتی موجب افزایش اقدامات حفاظتی و اطلاعاتی گسترده و تخصیص منابع کلان برای پیشگیری از حملات مشابه شده‌اند و باعث شده است امنیت داخلی، خصوصاً در مناطق شهری و مذهبی، بازتعریف شود. در سطح اجتماعی، هدف‌گیری اماکن مذهبی و کشتار غیرنظامیان، به ایجاد احساس ناامنی، تضعیف اعتماد عمومی به توان دولت برای تأمین امنیت، و افزایش حساسیت‌های مذهبی منجر شده است؛ این امر می‌تواند نابرابری‌های اجتماعی و تنش‌های هویتی را تشدید کند.

در تحلیل نهایی، تهدیدات و ترورهای جریان‌های سلفی - جهادی در ایران را باید در چارچوب یک پدیده خارجی و وارداتی تحت تأثیر سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای غربی تحلیل کرد. آنها از شکاف‌های مذهبی و ساختارهای محلی و هویتی تغذیه می‌کنند و با شبکه‌های فراملی افراط‌گرا

و مدرن خواسته یا ناخواسته در ارتباط هستند و هدایت می شوند. این جریان‌ها با استفاده از تاکتیک‌های تروریستی شناخته شده و هدف قرار دادن نمادهای اجتماعی و مذهبی، تلاش کرده‌اند اثرات سیاسی، امنیتی و روانی گسترده‌ای بر جامعه ایران بگذارند. تحلیل این تهدیدها از منظر نظریه‌های امنیتی نوین، از جمله مفهوم امنیتی‌سازی و نقش گفتمان‌های خشونت‌محور، می‌تواند به فهم بهتر ماهیت، ابعاد و پیامدهای آن کمک کند و راهکارهای پاسخ‌سیاستی مناسب را روشن سازد. پیامدهای چنین تهدیدات هدفمندی از منظر امنیت ملی علاوه بر قتل شهروندان ایرانی مسلمان اعم از شیعه یا سنی باعث افزایش هزینه‌های امنیتی، تضعیف پیوند میان نهادهای علمی، و نظامی و افزایش تمرکز دولت بر اقدامات محافظتی شده‌اند. این موضوع موجب شده است تا جمهوری اسلامی ایران در تدوین و اجرای راهبردهای توسعه علمی و دفاعی خود احتیاط بیشتری به خرج دهد و منابع بیشتری را به تضمین امنیت فیزیکی و اطلاعاتی اختصاص دهد. پیامد دوم در سطح اجتماعی نمود پیدا می‌کند، زیرا ترورها نه تنها نخبگان علمی و نظامی را هدف گرفته‌اند، بلکه اثرات روانی عمیقی بر جامعه و خانواده‌ها نیز داشته‌اند. ایجاد احساس ناامنی، کاهش اعتماد عمومی به ظرفیت کشور برای حفاظت از نخبگان و ایجاد نگرانی در میان جوانان و دانشجویان نخبه، از پیامدهای اجتماعی این تهدیدات است که می‌تواند باعث مهاجرت نخبگان و کاهش سرمایه انسانی در درازمدت شود. از منظر تحلیل امنیت، این مصادیق تروریسم بین‌الملل در ایران باید در چارچوب مفهوم امنیتی‌سازی مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس این مفهوم، کنشگران سیاسی و نهادهای رسمی تهدید را نه صرفاً به‌عنوان یک واقعیت عینی، بلکه به‌عنوان مسأله‌ای وجودی معرفی می‌کنند که نیازمند اقدامات فوق‌العاده است. در مورد ایران، بازنمایی ترورها به‌عنوان تهدیدهای امنیتی وجودی موجب شده تا سیاست‌گذاری امنیتی کشور، رویکردی واکنشی و سخت‌افزاری اتخاذ کند که بر افزایش قدرت بازدارندگی، تقویت نهادهای امنیتی و ارتقای ابزارهای حفاظتی متمرکز شده است.

این فرایند امنیتی‌سازی پیامدهای مثبت و منفی دارد: از یک سو، باعث افزایش ظرفیت دولت برای مقابله با تهدیدهای واقعی و پیشگیری از حملات بعدی می‌شود و از سوی دیگر، می‌تواند به کاهش شفافیت سیاسی، گسترش اختیارات نهادهای امنیتی و تضعیف فضای سیاسی عادی منجر شود، چرا که تمرکز بیش از حد بر تهدیدهای خارجی ممکن است نیازهای سیاسی و اجتماعی داخلی را تحت‌الشعاع قرار دهد. بنابراین تهدیدات تروریسم بین‌الملل علیه جمهوری اسلامی ایران در سالیان اخیر به شکلی

هدفمند، پیچیده و با مصادیق مشخص تاریخی رخ داده‌اند و پیامدهای عمیقی بر ساختار امنیت ملی و اجتماعی ایران داشته‌اند. فهم این تهدیدات در پرتو چارچوب‌های نظری نوین امنیتی، به‌ویژه مفهوم امنیتی‌سازی و تحلیل اهداف راهبردی تروریسم بین‌الملل، به ما امکان می‌دهد تا نه تنها پدیده ترور را به‌عنوان رخدادی فردی یا حادثه‌ای ببینیم، بلکه آن را به‌مثابه بخشی از رقابت‌های گسترده‌تر سیاسی و امنیتی بین دولت‌ها و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تحلیل می‌شود.

ایران در منطقه‌ای قرار دارد که طی دهه‌های اخیر شاهد ظهور و گسترش گروه‌های تروریستی متعددی بوده است. هم‌جواری با کشورهایی مانند افغانستان، عراق، پاکستان، آذربایجان و ارمنستان که درگیر جنگ، بی‌ثباتی سیاسی و ضعف ساختارهای دولتی هستند، زمینه فعالیت شبکه‌های تروریستی فراملی را افزایش داده و تهدیدهای امنیتی متنوعی را متوجه ایران ساخته است. گروه‌هایی که از ایدئولوژی‌های افراطی بهره می‌برند، با استفاده از خلأهای امنیتی و حمایت‌های پنهان یا آشکار برخی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، توانسته‌اند دامنه فعالیت خود را گسترش دهند و امنیت کشورهای همسایه، از جمله ایران، را با چالش مواجه کنند.

تروریسم بین‌الملل برای امنیت ایران ابعاد مختلفی دارد. در بعد داخلی، این پدیده می‌تواند منجر به انجام عملیات‌های تروریستی، ناامن‌سازی مناطق مرزی، تهدید جان شهروندان و ایجاد احساس ناامنی در جامعه شود. در بعد منطقه‌ای، گسترش تروریسم در کشورهای اطراف ایران، بی‌ثباتی محیط امنیتی پیرامونی را تشدید کرده و هزینه‌های امنیتی و دفاعی کشور را افزایش می‌دهد. افزون بر این، تروریسم بین‌الملل می‌تواند به‌عنوان ابزاری در رقابت‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی مورد استفاده قرار گیرد و برخی قدرت‌ها با بهره‌گیری از گروه‌های تروریستی یا برچسب‌زنی سیاسی، تلاش کنند فشارهای امنیتی، سیاسی و حتی اقتصادی علیه ایران اعمال کنند. یکی دیگر از ابعاد مهم ارتباط تروریسم بین‌الملل با امنیت ایران، مسئله تعریف و تفسیر سیاسی از مفهوم تروریسم در سطح جهانی است. در بسیاری از موارد، استانداردهای دوگانه در برخورد با گروه‌ها و اقدامات خشونت‌آمیز مشاهده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که برخی گروه‌ها در یک چارچوب سیاسی خاص «تروریستی» معرفی می‌شوند، در حالی که گروه‌های دیگر با وجود اقدامات مشابه، از حمایت یا اغماض برخی دولت‌ها برخوردارند. این رویکرد دوگانه می‌تواند امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار داده و زمینه‌ساز مشروعیت‌بخشی غیرمستقیم به تهدیدهای امنیتی علیه آن شود. بنابراین تروریسم بین‌الملل یکی از چالش‌های جدی

پیش‌روی امنیت ایران در محیط منطقه‌ای و جهانی کنونی است. موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، تحولات پرتنش منطقه و پیچیدگی‌های سیاست بین‌الملل، ضرورت اتخاذ رویکردی جامع و چندبعدی در مواجهه با این پدیده را برجسته می‌سازد. امنیت پایدار ایران در گرو ترکیبی از اقدامات امنیتی مؤثر، دیپلماسی فعال، همکاری‌های منطقه‌ای و پایبندی به اصول حقوق بین‌الملل است تا بتوان تهدیدهای ناشی از تروریسم بین‌الملل را به‌طور مؤثر مدیریت و کاهش داد.

آینده پژوهی امنیت ایران در برابر تروریسم بین‌الملل

از منظر امنیت ملی، مقابله با تروریسم بین‌الملل برای ایران صرفاً یک مسئله نظامی یا امنیتی نیست، بلکه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز دارد. آینده امنیت ایران در برابر تروریسم بین‌الملل به توانمندی داخلی، همکاری منطقه‌ای و جهانی، و آماده‌سازی فناورانه و اجتماعی بستگی دارد. با اجرای سیاست‌های پیشگیرانه، تقویت تاب‌آوری جامعه، و مدیریت هوشمند تهدیدات، امکان تحقق سناریوی «ثبات نسبی و کنترل موفق» وجود دارد. در غیر این صورت، کشور ممکن است با تهدیدات پراکنده، بحران امنیتی یا حملات چندبعدی مواجه شود. آینده امنیت ایران در برابر تروریسم بین‌الملل با توجه به موقعیت جغرافیایی، نقش منطقه‌ای و پیچیدگی‌های سیاسی و اقتصادی کشور، نیازمند یک نگاه بلندمدت، جامع و چندسطحی است. تهدیدات تروریستی امروزی فراتر از حملات سنتی است و شامل عملیات سایبری، حملات پهپادی، نفوذ اطلاعاتی و عملیات روانی می‌شود. از این رو، هر برنامه امنیتی باید همزمان ابعاد نظامی، اطلاعاتی، دیپلماتیک، اقتصادی و اجتماعی را در بر بگیرد و بر پیشگیری، تاب‌آوری و پاسخ‌های هوشمند تمرکز کند. در تحلیل آینده، چهار سناریوی محتمل برای امنیت ایران در برابر تروریسم بین‌الملل قابل تصور است. سناریوی اول، «ثبات نسبی و کنترل موفق»، وضعیتی است که ایران با بهره‌گیری از توانمندی‌های اطلاعاتی و نظامی، همکاری مؤثر با همسایگان و سازمان‌های بین‌المللی و ایجاد سیاست‌های پیشگیرانه اجتماعی، توانسته است تهدیدات تروریستی را مهار کند. در این سناریو، حملات محدود و پراکنده به سرعت شناسایی و خنثی می‌شوند، تاب‌آوری جامعه بالا است و هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی مرتبط با ناامنی کاهش می‌یابد. ایران در این وضعیت می‌تواند به توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی خود ادامه دهد و اعتبار بین‌المللی خود در مقابله با تروریسم را افزایش دهد. سناریوی دوم، «تهدیدات پراکنده و واکنش محدود»، وضعیتی است که

در آن گروه‌های تروریستی کوچک و نیمه‌خودمختار، به صورت پراکنده و با شدت محدود فعالیت می‌کنند. حملات عمدتاً عملیات خرابکارانه یا انفجاری کوچک هستند و موجب افزایش هزینه‌های امنیتی و فشار بر نیروهای داخلی می‌شوند. در این سناریو، اعتماد عمومی تا حدی کاهش می‌یابد، اما هنوز بحران گسترده‌ای رخ نداده است. مقابله مؤثر در چنین شرایطی مستلزم توسعه شبکه‌های اطلاعاتی محلی، آموزش نیروهای واکنش سریع و استفاده از فناوری‌های نوین برای پیش‌بینی و شناسایی تهدیدات است.

سناریوی سوم، «تشدید تهدید و بحران امنیتی»، وضعیتی بحرانی را ترسیم می‌کند که در آن گروه‌های تروریستی داخلی و فرامرزی فعالیت گسترده و هماهنگ دارند و حملات پیچیده به زیرساخت‌ها، مراکز جمعیتی و اقتصادی رخ می‌دهد. در این حالت، جامعه با بحران امنیتی جدی مواجه می‌شود و هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به شکل چشمگیری افزایش می‌یابد. مقابله با این سناریو نیازمند عملیات ضدتروریستی هدفمند، هماهنگی کامل میان نیروهای نظامی، اطلاعاتی و امنیتی و تقویت دیپلماسی امنیتی برای کاهش حمایت‌های خارجی از گروه‌های تروریستی است. سناریوی چهارم، «ترکیب تهدید سنتی و سایبری»، نمایانگر وضعیت پیچیده‌ای است که تهدیدات فیزیکی، سایبری و روانی با هم ترکیب شده‌اند. حملات فیزیکی با حملات سایبری به زیرساخت‌های حیاتی، عملیات روانی و انتشار اطلاعات غلط همراه می‌شوند و تشخیص و واکنش به تهدیدات بسیار دشوار می‌شود. در این سناریو، ایجاد مرکز فرماندهی یکپارچه امنیت سایبری و فیزیکی، تقویت هوش مصنوعی برای تحلیل داده‌ها و آموزش جامعه در برابر عملیات روانی و اطلاعاتی، از ضروریات مقابله است.

در مجموع، آینده امنیت ایران در برابر تروریسم بین‌الملل وابسته به مواردی از عوامل کلیدی می‌باشد: توانمندی داخلی نیروهای نظامی و امنیتی، همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی و آماده‌سازی فناوریانه و اجتماعی با تمرکز بر پیشگیری، تاب‌آوری جامعه، زیرساخت‌های حیاتی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی، امکان دستیابی به سناریوی «ثبات نسبی و کنترل موفق» وجود دارد. در غیر این صورت، کشور ممکن است با تهدیدات پراکنده، بحران امنیتی یا حملات چندبعدی مواجه شود. از این رو، طراحی یک برنامه امنیتی بلندمدت که شامل اقدامات مرحله‌ای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای پیشگیری، مقابله و بازسازی باشد، ضروری است و می‌تواند ایران را در برابر پیچیده‌ترین تهدیدات تروریستی آینده مقاوم سازد. در مواجهه با شرایط فعلی مواجهه مؤثر با آنچه از سوی

بسیاری از افکار عمومی جهان به عنوان «تروریسم دولتی آمریکا و اسرائیل» توصیف می‌شود، مستلزم اتخاذ راهبردی جامع، چندسطحی و بلندمدت است؛ تجربه تاریخی نشان داده است که خشونت متقابل بیشتر جنبه روانی و انتقامی دارد و به مهار پایدار بازیگران تروریست بین الملل منجر نمی‌شود، بلکه اغلب به مشروعیت‌بخشی بیشتر به سرکوب و تداوم چرخه بحران تروریسم کمک می‌کند و به تروریسم مشروعیت بین المللی می‌دهد. از این رو، نقطه عزیمت هر راهبرد مؤثر، عقلانیت سیاسی و پایبندی به ابزارهای مشروع بین المللی است. نخستین و بنیادی‌ترین گام، تولید و انباشت نظام‌مند دانش و مستندات حقوقی درباره نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین المللی است. این مستندسازی باید فراتر از گزارش‌های احساسی، بر داده‌های دقیق، تصاویر ماهواره‌ای، شهادت‌های راستی‌آزمایی‌شده، گزارش پزشکان و نهادهای امدادی و تحلیل‌های حقوقی مستقل استوار باشد. هدف از این مرحله، ایجاد یک «بانک شواهد» قابل استناد است که بتواند در محاکم بین المللی، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و نهادهای تصمیم‌ساز مورد استفاده قرار گیرد. بدون چنین پشتوانه‌ای، حتی درست‌ترین ادعاها نیز در فضای سیاست جهانی به راحتی نادیده گرفته می‌شوند. در گام بعد، این شواهد باید به صورت هدفمند وارد مکانیسم‌های حقوقی بین المللی شود. پیگیری پرونده‌ها در دیوان بین المللی دادگستری، دادگاه کیفری بین المللی، دادگاه‌های ملی با صلاحیت جهانی، و همچنین استفاده از گزارشگران ویژه و کمیسیون‌های حقیقت‌یاب سازمان ملل، هرچند روندی کند و پرهزینه است، اما به مرور زمان می‌تواند چارچوب «بی‌پاسخگویی» را تضعیف کند. حتی صدور گزارش‌ها و احکام غیرالزام‌آور نیز نقش مهمی در شکل‌دهی به افکار عمومی و ایجاد سابقه حقوقی دارد. هم‌زمان با مسیر حقوقی، دیپلماسی فعال و شبکه‌سازی سیاسی اهمیت کلیدی دارد. به جای تکیه بر مواضع انفرادی، باید ائتلاف‌هایی از دولت‌ها، پارلمان‌ها، احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها و نهادهای مدنی شکل گیرد که موضعی هماهنگ و مستمر اتخاذ کنند. این ائتلاف‌ها می‌توانند از ابزارهایی مانند قطعنامه‌های پارلمانی، تعلیق همکاری‌های نظامی، مشروط‌سازی روابط اقتصادی و فشار در مجامع بین المللی استفاده کنند. قدرت واقعی دیپلماسی زمانی آشکار می‌شود که چندین بازیگر به صورت هم‌زمان، هزینه سیاسی یک رفتار را بالا ببرند. در شرایط کنونی حقوق بین الملل بیش از حد بر دیدگاه‌های اروپایی متمرکز است و باید بیشتر به ایده‌های توسعه‌یافته در سایر نقاط جهان اهمیت دهد.

در حوزه اقتصاد سیاسی، فشارهای اقتصادی هدفمند و هوشمند نقش مکمل دارند. تحریم‌هایی که مشخصاً افراد، شرکت‌ها، صنایع نظامی و نهادهای دخیل در تروریسم را هدف قرار می‌دهد می‌تواند مؤثر و اخلاقاً قابل دفاع باشد. در کنار آن، کمپین‌های بایکوت، عدم سرمایه‌گذاری و قطع همکاری علمی یا فرهنگی با نهادهای همکار در تروریسم، اگر شفاف، قانونی و مبتنی بر اطلاع‌رسانی دقیق باشند، می‌توانند بر تصمیم‌گیران اثر بگذارند و شکاف‌هایی در حمایت بی‌قیدوشرط ایجاد کنند. یکی از میدان‌های تعیین‌کننده، جنگ روایت‌ها و افکار عمومی جهانی است. سلطه رسانه‌ای تنها با تولید روایت‌های جایگزین دقیق، انسانی و مستمر به چالش کشیده می‌شود. این کار نیازمند آموزش کنشگران رسانه‌ای، همکاری با روزنامه‌نگاران مستقل، استفاده از زبان‌های مختلف، و پرهیز از اغراق یا اطلاعات نادرست است. روایت‌هایی که رنج انسان‌ها را با داده‌های معتبر پیوند می‌زند، بیش از شعارهای کلی اثرگذارند. دانشگاه‌ها، کنفرانس‌های علمی، و محافل فکری نیز بسترهایی مهم برای تثبیت این روایت‌ها هستند. در سطح جامعه بین‌الملل و داخل کشور باید کنشگری غیرخشونت‌آمیز سازمان‌یافته تقویت شود. اعتراضات مسالمت‌آمیز، کارزارهای حقوقی، طومارها، لابی‌گری با نمایندگان منتخب و همکاری میان جنبش‌های ضدنژادپرستی، ضدجنگ و مدافع حقوق بشر، می‌تواند فشار اجتماعی را از مرزهای جغرافیایی فراتر ببرد. این کنشگری زمانی پایدار می‌ماند که ساختارمند، بلندمدت و مبتنی بر اهداف مشخص باشد، نه واکنشی و مقطعی باشد. بعد انسانی این راهبرد نیز حیاتی است. تمرکز بر کمک‌های بشردوستانه، بازسازی، توانمندسازی قربانیان و حمایت از سلامت روان نه تنها از رنج مستقیم می‌کاهد، بلکه سرمایه اخلاقی و مشروعیت بین‌المللی این رویکرد را افزایش می‌دهد. حمایت از نهادهای محلی شفاف و مستقل، آموزش حقوق بشر، و تقویت تاب‌آوری اجتماعی، مانع از فروپاشی اجتماعی و بازتولید خشونت می‌شود. در نهایت، همه این سطوح باید به سمت راه‌حل‌های سیاسی پایدار جهت‌گیری شوند. تأکید بر آتش‌بس‌های قابل راستی‌آزمایی، تضمین‌های امنیتی متقابل، حقوق برابر، پایان اشغال و مخالفت قاطع با هدف‌گیری غیرنظامیان از هر طرف، چارچوبی است که می‌تواند حمایت جهانی گسترده‌تری جلب کند. عدالت بدون صلح پایدار نمی‌ماند و صلح بدون عدالت نیز توخالی است.

در بعد امنیتی در مقابل بازیگران غیر دولتی تروریستی مانند گروه‌های سلفی و تکفیریگروه‌های تجزیه طلب رویکرد «پیشدستی و پیشگیری» راه حل کوتاه مدت در کنترل تروریسم می‌باشد تا

دربگیرنده تمامی تدابیر پیشدستانه و تمهیدات پیشگیرانه در مهار تروریسم باشد. بدین ترتیب، به منظور محافظت از مردم در برابر خطر تروریسم و نیز جلوگیری یا محدود کردن مشارکت افراد در فعالیت‌های مرتبط با تروریسم، سازکارهای محدودکننده‌ای باید به مضمونین تروریسم تحمیل می‌شود که رویکردی پیشگیرانه یا آینده‌نگرانه داشته و ناظر بر مراحل پیش از وقوع عملیات تروریستی هستند. ناکارآمدی رویکردهای مجازات محور و انتقامی مانند بمباران مواضع این افراد پس از وقوع حملات تروریستی در پیشگیری از این پدیده مجرمانه پس از افزایش هزینه‌ها و قربانی‌های چندان معادله منفعت محوری نیست. اگر یک حادثه تروریستی رخ نمی‌داد، هزینه‌های مرتبط با آن نیز رخ نمی‌داد و پول به طور مولدتری مانند توسعه کسب و کار یا آموزش هزینه می‌شد. به عنوان مثال، هزینه‌های پزشکی برای درمان قربانیان حملات تروریستی یا هزینه‌های تعمیر و بازسازی املاک تخریب شده می‌توانست به سرمایه‌گذاری‌هایی با بازده بالاتر هدایت شود (IEP, 2017:43). لذا این وضعیت نیازمند گسترش راهبردهای جدید کنترل تروریسم از جمله راهبرد پیش‌دستانه و پیشگیرانه می‌باشد. امروزه رهیافتهای پیشگیرانه و پیش‌دستانه جهت مهار تروریسم جایگاه ویژه‌ای در نظامهای سیاسی یافته است. مهمترین راهبردهای پیشگیرانه در کنترل تروریسم عبارت هستند از محدودیتهای و نظارت‌های ارتباطی و آموزشی و اشتغال، الزامات اقامتی و نظارتی، کنترل سفر و تفتیش اماکن و نظارت بر پیام‌رسان‌های سایبری می‌باشد. در واقع جلوگیری از فعالیت حملات تروریستی و خنثی کردن تهدیدات تروریستی قبل از وقوع خرابکاری و جنایت از اهداف سازکارهای پیشگیرانه تلقی می‌شوند. اقدامات پیشگیرانه در مواجهه با تروریسم را می‌توان در چارچوب تدابیر مالی، تدابیر ارتباطی، اطلاعاتی و نیز تدابیر نظارتی بررسی کرد. طی این سازکارها به منظور برهم زدن پیش‌زمینه‌های ارتکاب جرایم تروریستی، انواعی از محدودیتهای ممنوعیتهای و مالکیت و بهره‌مندی از برخی ابزار و کالاها، محدودیتهای مسافرتی و شغلی و آموزشی، کنترل اقامت و سکونت شخص و همچنین سازکارهای معطوف به شفافیت مالی و جلوگیری از تأمین مالی تروریسم، اتخاذ می‌شوند. در رابطه با جایگاه اقدامات پیشگیرانه در نظام حقوقی کشور باید اذعان داشت با وجود آنکه کشور ایران از قربانیان حملات تروریستی است و ضرورت مواجهه کارآمد و جامع با پدیده تروریسم در گفتمان رایج سیاسی کشور به عنوان یک نیاز مبرم شناخته می‌شود، در شرایط کنونی اقدامات ایران واکنشی

و پسانگر و انتقامی است. از این رو، رهیافتهای پیشینگرانه مهار تروریسم در استراتژی های بلند مدت تا سال ۲۰۳۰ ایران ضروری به نظر می رسد.

نتیجه گیری

تحلیل روندهای امنیتی ایران تا سال ۲۰۳۰ نشان می دهد که تهدیدات ناشی از بازیگران تروریست بین الملل، به ویژه تحت تأثیر سیاست ها و اقدامات ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل، پیچیده تر، چندلایه تر و پیش رونده خواهد شد. تجربه تاریخی و تحلیل روندهای جاری حاکی است که این دو بازیگر با بهره گیری از روش های غیرمستقیم، از جمله حمایت از شبکه های تروریستی نیابتی، عملیات روانی، جنگ اطلاعاتی و نفوذ در حوزه های سایبری، ترور شهروندان تلاش می کنند امنیت و ثبات ایران را تضعیف کنند. این تهدیدات نه تنها محدود به عملیات نظامی یا خشونت مستقیم نیست، بلکه شامل جنگ شناختی، اقدامات سایبری، ایجاد اختلافات اجتماعی و اقتصادی، و بهره گیری از ضعف های داخلی برای گسترش نفوذ می شود. در دهه های آینده، شکل گیری تروریسم هوشمند و شبکه محور، همراه با استفاده از فناوری های نوین و دیجیتال، می تواند میدان تهدیدات را گسترده تر و مقابله با آن را پیچیده تر سازد. با توجه به این واقعیت ها، امنیت ایران تا سال ۲۰۳۰ مستلزم اتخاذ رویکردی جامع و چندبعدی است. پاسخ صرفاً نظامی یا امنیتی به تهدیدات پیچیده آینده ناکافی خواهد بود و لازم است قدرت سخت با ابزارهای نرم، اطلاعاتی و دیپلماتیک تلفیق شود. در این راستا، تقویت هماهنگی میان نهادهای امنیتی و اطلاعاتی، ارتقای توانمندی های سایبری و امنیتی، و توسعه سامانه های پیش بینی تهدیدات از اهمیت بالایی برخوردار است. افزون بر این، دیپلماسی امنیتی فعال و حقوقی، به ویژه در افشای حمایت آمریکا و اسرائیل از تروریسم نیابتی و ایجاد فشار بین المللی، می تواند مانعی مؤثر در برابر نفوذ این بازیگران ایجاد کند. هم زمان، کاهش آسیب پذیری های داخلی با تمرکز بر انسجام اجتماعی، مدیریت شکاف های اقتصادی و فرهنگی، و مقابله با جنگ شناختی و روایت سازی خصمانه، نقش تعیین کننده ای در محدودسازی میدان عمل شبکه های تروریستی دارد. تقویت همکاری های منطقه ای و بین المللی ضد تروریسم، تبادل اطلاعات امنیتی و ایجاد راهبردهای هماهنگ برای مقابله با تهدیدات فرامرزی نیز از دیگر اقدامات ضروری محسوب می شود. چنین رویکردی نه تنها پاسخ دهی به تهدیدات فعلی را ممکن می سازد، بلکه امکان پیشگیری از بحران های

آتی را نیز فراهم می‌آورد. در نهایت، آینده امنیت ایران در مواجهه با تروریسم بین‌الملل تا سال ۲۰۳۰ به میزان توانایی کشور در مدیریت همزمان تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم، و مقابله با نقش‌آفرینی آمریکا و اسرائیل بستگی دارد. اتخاذ رویکردی استراتژیک، جامع و مبتنی بر تلفیق قدرت سخت و نرم، با تمرکز بر پیشگیری، آماده‌سازی و هماهنگی داخلی و منطقه‌ای، می‌تواند ایران را به کشوری مقاوم، پایدار و آماده در برابر تهدیدات فراملی تبدیل کند و جایگاه آن را به‌عنوان بازیگری مؤثر در امنیت ملی و منطقه‌ای تثبیت نماید.

فهرست منابع

- آدمی، علی (۱۳۹۱). بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران. راهبرد، ۲۱(۶۲)، ۶۸-۱۴۱.
- آدابی، میرزا علی و دیگران (۱۴۰۲). نقش و رویکرد حمایت اجتماعی از بزه دیدگان جرایم تروریستی، توسعه اجتماعی، ۱۷(۳)، ۲۲۷-۲۵۵.
- آقابخشی، علی (۱۳۶۳). فرهنگ علوم سیاسی، تهران. نشر تقریر.
- افتخاری، اصغر و شامانی، مجید (۱۴۰۲). امنیت ملی در اندیشه مقام معظم رهبری. امنیت ملی، ۱۲(۴۹)، ۳۶-۹.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهش‌کده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- باشگاه خبر گزاران جهان (۱۴۰۳). ترور شهید دار یوش رضایی. برگرفته از: <https://www.yjc.ir/fa/news/>
- پایگاه بصیرت (۱۳۸۹). ترور مصطفی احمدی روشن. برگرفته از <https://basirat.ir/f/>
- پایگاه اطلاع رسانی حوزه (۱۴۰۴). مسعود علی محمدی. برگرفته از: <https://hawzah.net/>
- پویش ملی جان فدا (۱۴۰۵). برگرفته از <https://janfadaa.ir/>
- خبرگزاری دانشجو (۱۴۰۴). عباسی رئیس اسبق سازمان انرژی اتمی در گفتگو با SNN TV. برگرفته از: <https://snn.ir/fa/news>
- خبرگزاری ایرنا (۱۴۰۲/۴/۲۳). جزئیات حمله تروریستی ۲۲ مرداد به حرم مطهر شاهچراغ (ع). برگرفته از: <https://www.irna.ir/news>
- خبرگزاری مشرق (۱۴۰۲/۱/۱۶). گفت‌وگو با ماموری که حادثه تروریستی حرم رضوی را پایان داد. برگرفته از: <https://www.mashreghnews.ir/news/>
- خبرگزاری مشرق (۱۳۸۹). ۸ آذر سالروز شهادت دکتر مجید شهریاری، دانشمند بزرگ هسته ای ایران. برگرفته از: <https://www.mashreghnews.i/>
- خبر تابناک (۱۳۹۹/۹/۱۹). ترور شهید فخری زاده با سلاح متعلق به ناتو. برگرفته از: <https://www.tabnak.ir/>
- خبرگزاری آنا (۱۳۹۹/۱۰/۱۰). تاریخ و ساعت دقیق شهادت سردار سلیمانی. برگرفته از: <https://ana.ir/>
- خبرنگار تابناک (۲۳/۳/۱۴۰۴). حوادث. برگرفته از: <https://www.tabnak.ir/fa/>
- رادمهر، ایرج (۱۳۸۴). سیر تحول مفهوم امنیت ملی، علوم و فنون نظامی، ۲(۴)، ۱۱۵-۱۲۲.

- شهبازی، زهرا (۱۴۰۱). تروریسم دولتی در حقوق بین الملل؛ با نگاهی بر ترور سردار قاسم سلیمانی، جامعه شناسی سیاسی ایران، ۵(۱۱)، ۳۸۹۲-۳۹۰۶.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی، تهران، راه رشد.
- عبداللهی ضیالدینی، مهدی (۱۴۰۰). تبارشناسی تروریسم سلفی. رهیافت های سیاسی و بین المللی، ۱۲(۳)، ۱۷۵-۲۰۳.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳). نظریه های امنیت، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- عابدی درجه، محسن؛ استکی، جواد (۱۴۰۳). واکاوی معنا و مفهوم تروریسم مبتنی بر منظومه فکری امام خامنه ای به روش تحلیل مضمون. آفاق امنیت. ۱۷(۶۲)، ۴۳-۱۱.
- قادری کنگاوری، روح الله؛ آقایی خواجه پاشا، داوود (۱۳۹۱). تحلیل تطبیقی مبانی نظری و عملی مقاومت و تروریسم، آفاق امنیت، ۶(۱۷)، ۹۵-۱۳۳.
- مرادی پور، حجت الله (۱۳۸۴). آینده پژوهی، مفاهیم و روش ها. رهیافت، ۱۵(۳۶)، ۴۵-۵۰.
- محسنی، رضا علی (۱۳۹۰). بازشناسی و تحلیل پدیده تروریسم، مطالعات سیاسی، ۳(۱۲)، ۱۹۹-۲۲۱.
- منطقی، محسن (۱۳۵۹). آینده پژوهی، ضرورت آینده مطالعات فرهنگی و عمومی، اسلام و پژوهش های مدیریت، ۱(۱)، ۶۱-۶۸.
- مطلبی، مسعود؛ آرایش، جسن و رحیمی عماد، سید رضا (۱۳۹۵). تروریسم از منظر بنیادگرایان اسلامی، رادیکال و فقه سیاسی شیعه؛ با نگاهی به عملیتهای استشهادی. پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، ۶(۴)، ۱۱۹-۱۴۶.
- میر عرب، مهرداد (۱۳۷۹). نیم نگاهی به مفهوم امنیت، مترجم سید عبدالقیوم سجادی، ۳(۹)، ۱۴۲-۱۴۳.
- ویکی شیعه (۱۴۰۴). ترور آیت الله خامنه ای . برگرفته از: <https://fa.wikishia.net/>
- هاشمی نجف آبادی، سید مصطفی (۱۴۰۲). از جند الله تا جیش العدل. برگرفته از: <https://makhaterltakfir.com/>
- Buzan, Barry (1991), *People, State and Fear, An Agenda for International Security Studies in the Post- Cold War Era* , London Harvester Wheatsheaf Publication.
- Colonel John (2110). Why Youth Join al-Qaeda. SPECIAL REPORT. from: <https://www.usip.org/>
- IEP(2017). global Terrorism index (2017). Measuring and understanding the impact of terrorism. From: <https://www.visionofhumanity.org/>

- Richard, Falk(2007). War and Peace in an Age of Terror and State Terrorism.
From: <https://www.ir-journal.com>
- Michel Gaietta(2025). Iran's Nuclear Programme after the 12-Day War:
Options and Challenges. Istituto Affari Internazionali (IAI). IAI PAPERS
25 . 15 -p:1-22
- What is trirism(2017). TERRORISM: ORIGIN OF THE WORD. From:
<https://us.sagepub.com/>
- Zimmit razz(2025), The Second Imposed War Operation Rising Lion and Its
Implications, for Iran's National Security
from: <https://www.inss.org.il>